



The University of Tehran Press

The Legal Profession; Strategies for Responding to Legislative Developments

Mohammad Shokri¹ 

1. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: mshokri@pnu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	Advocacy plays an important role in the administration of justice. At present, the criteria for admission to the legal profession are insufficient, allowing some weak participants to enter the profession of law. The substantial increase in the number of trainees all at once, without aligning with the existing capacity, leads to nothing but deficiencies in training. In cases where these lawyers seek to compensate for their academic and practical weaknesses through advertising to attract clients, the consequences of this practice affect all parties involved in the case, including the client, the attorney, and the judiciary. On a larger scale, the negative impact of this practice extends to the judiciary and the legal system, as well as the public perception of the legal profession. The present research proposes to address this shortcoming by strengthening the criteria for admission and entrance examinations, aligning the supervisory bodies (inspection and disciplinary authorities), and making legislative reforms regarding the profession of law to classify and specialize lawyers. Justice requires consideration of classification and a system of multiple levels. It is also influenced by the specialization of legal fields and the creation of various dimensions of this science, which are based on societal needs. Harmonizing the profession of advocacy with this reality and considering its specialized structure is essential; neglecting this issue will result in stagnation and a lack of progress and development in the field.
Pages: 911-934	
Received: 2024/08/15	
Received in Revised form: 2024/10/29	
Accepted: 2024/11/11	
Published online: 2025/06/22	Shokri, Mohammad (2025). The Legal Profession; Strategies for Responding to Legislative Developments. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 55 (2), 911-934. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.380842.3585
Keywords: <i>attorney at law, ranking of attorneys, specialized attorney, supervision.</i>	
How To Cite	
DOI	
Publisher	The University of Tehran Press. 



حرفه وکالت دادگستری؛ تدابیری در مواجهه با تحولات تقنینی

محمد شکری^۱۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: mshokri@pnu.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
وکالت نقش مهمی در اجرای عدالت دارد، در تحولات قانونی اخیر معیار اتخاذی فعلی کافی نیست و برخی شرکت کنندگان ضعیف به حرفه وکالت راه می یابند. افزایش بی حد تعداد کارآموزان آن هم یکبارہ بدون اینکه ظرفیت موجود متناسب سازی شود، چیزی جز نقص کارآموزی را در پی ندارد. در مواردی که این دسته از وکلا برای جبران ضعف علمی و عملی خود درصدد تبلیغات غیرواقعی به منظور جذب پرونده برآیند، به تبع اثر مستقیم این رویه دامن گیر طرفین پرونده اعم از موکل، وکیل و مرجع قضایی و در سطح کلان اثر سوء این رویه متوجه دادگستری و نظام قضایی و وجهه عمومی شغل وکالت خواهد شد. پیشنهاد پژوهش حاضر برای رفع این کاستی، تقویت شاخصه های پذیرش و آزمون ورودی، متناسب سازی نهاد نظارت (بازرسی و مراجع انتظامی)، و اصلاحات تقنینی در مقررات مربوط به وکالت برای درجه بندی وکلا و تخصصی کردن آن است، عدالت اقتضای لحاظ درجه بندی و نظام تعدد پایه دارد، همچنین متأثر از تخصصی شدن گرایش های رشته حقوق و ایجاد ابعاد مختلف این علم که مبتنی بر نیازهای جامعه بوده است، هماهنگی حرفه وکالت با این واقعیت و لحاظ ساختار تخصصی آن ضرورت دارد، غفلت از این مسئله موجب جاماندگی و عدم پیشرفت و توسعه آن می شود.	نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۹۱۱-۹۳۴ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
	کلیدواژه ها: درجه بندی وکلا، نظارت، وکالت تخصصی، وکیل دادگستری.
	استناد شکری، محمد (۱۴۰۴). حرفه وکالت دادگستری؛ تدابیری در مواجهه با تحولات تقنینی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۵ (۲)، ۹۱۱-۹۳۴. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.2024.380842.3585
	DOI 10.22059/jpls.2024.380842.3585
	ناشر مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

وکالت از جمله قراردادهای مهم در روابط اجتماعی و حقوقی است. ماهیت وکالت قراردادی و اثر آن اعطای نیابت است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۷). یکی از موضوعات خاص این عقد، اقامه دعوا و دفاع از دعاوی مطروحه در مراجع قضایی است، وکالت در این موضوع به دلیل ویژگی خاص و نیاز به تخصص حقوقی، مستلزم انجام آن توسط اشخاصی است که از توانایی علمی و حرفه‌ای برخوردارند؛ بر این مبنا نمایندگی قراردادی در «دعاوی»، اصولاً مختص وکلای دادگستری است و به موجب مقررات مربوطه صرفاً این افراد می‌توانند به نمایندگی از دیگری اقامه دعوا یا از او دفاع کنند (کریمی، ۱۳۸۶: ۷۰). فلسفه این اختصاص ناشی از این نکته اساسی است که دادخواهی در هر دعوایی منحصرأ یک‌بار امکان‌پذیر است و با قطعیت حکم صادره، نتیجه آن برای همیشه مشخص می‌شود (شمس، ۱۳۸۲: ۲۶). وکالت دعاوی همان وکالت در خصومت است که در حقوق عربی بدان «محامات» گفته می‌شود، مسئول چنین وکالتی در حقوق ایران «وکیل دعاوی» و یا «وکیل دادگستری»، در عربی «محامی» و در انگلیسی «attorney at law» نامیده می‌شود (فیاض، ۱۳۹۳: ۴۸).

ورود به حرفه وکالت دادگستری از طریق سازوکارهایی انجام می‌گیرد تا از دارا بودن توانایی علمی و حرفه‌ای داوطلبان اطمینان نسبی حاصل شود، این مهم اغلب از طریق برگزاری آزمون علمی از مواد مختلف دروس حقوقی انجام می‌پذیرد. در همین زمینه در کشور ما افزون بر آزمون سالیانه وکالت برای جذب از سوی کانون‌های وکلا به موجب ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی مصوب ۱۳۷۹، قوه قضاییه نیز مجاز گردید با برگزاری آزمون جداگانه نسبت به جذب تعدادی مشاور حقوق به میزان مورد نیاز اقدام کند. علاوه بر اینکه استقلال وکلا از دستگاه قضا یکی از اصول استقلال این نهاد (غمامی و محسنی، ۱۳۸۶: ۶۵)، و وابستگی وکیل به قوه قضاییه از مصادیق تحدید استقلال وکلا محسوب می‌شود (محسنی و غمامی، ۱۳۹۴: ۳۱۲)، موضوع این مقرر تأیید صلاحیت دانش‌آموختگان حقوق برای صدور مجوز ایجاد مؤسسه مشاوره حقوقی است، اما در ادامه عبارت مقرر مذکور به جواز انجام امور وکالت از سوی آنان اشاره کرده است؛ موضوعی که متعارض به نظر می‌رسد (محسنی، ۱۳۹۳: ۶۰۳).

با وجود افزایش تعداد وکلا به شرح مذکور، «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار»^۱ در ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ تصویب شد که به موجب آن حد نصاب کمی و سقف تعداد پذیرش حذف و یک نصاب کیفی (حسب نوع سهمیه ۷۰ و ۶۰ درصد نمره تراز ۱ درصد برتر) برای قبولی در آزمون وکالت پیش‌بینی شد. ترتیب مقرر که در عمل موجب پذیرش چند برابری وکیل برای شروع دوره کارآموزی و پیوستن به

۱. برای دیدن نظرهای موافقان و مخالفان در فرایند تقنینی ر.ک: نریمانی و همکاران، ۱۴۰۲.

حرفه وکالت است، به طور قطع مستلزم اقداماتی است تا نهاد وکالت دچار ضعف نشود و از پیامدهای منفی آن جلوگیری شود؛ همین امر و چالش‌های ناشی از تحولات تقنینی قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، انگیزه پردازش موضوع حاضر به عنوان یکی از ضرورت‌های حوزه حرفه وکالت شد تا با تحلیل تبعات حاصله از آن، در ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با این رویداد اهتمام شود؛ جهت به حداقل رسانیدن آثار منفی ساز و کار فعلی برای اعطای جواز وکالت دادگستری، پرداختن به راهکارهای مقابله با آنها از اهمیت فراوانی برخوردار است، زیرا تحلیل علمی و دقیق این موضوع با آشکار کردن معایب و تبعات اجتناب‌ناپذیر یا احتمالی آن و ارائه پیشنهادها در جهت متناسب‌سازی می‌تواند به ممانعت و یا کاهش آثار منفی این مقرر قانونی کمک کند.

فرضیات تحقیق بر این موارد استوار است؛ از جمله تبعات تحولات تقنینی اخیر در حوزه وکالت معیار پذیرش داوطلبان در آزمون ورودی است که با توجه به تجارب چند آزمون برگزار شده بنا به گزارش‌های دست‌اندرکاران کانون‌های وکلا و مرکز وکلای قوه قضاییه، تنزل نمرات اکتسابی قبول‌شدگان است، این امر مستلزم تدابیری است تا از صلاحیت علمی واردین به این حرفه مهم اطمینان نسبی حاصل شود. از سوی دیگر حذف ظرفیت پذیرفته‌شدگان و افزایش چندبرابری کارآموزان به یکباره نیازمند توسعه تدابیر کارآموزی و متناسب‌سازی محیط و آموزش‌های مربوط است. همچنین این تحول با آثار افزایشی وکلا باید با متناسب‌سازی نظارت‌های صنفی مانند نهاد بازرسی و مراجع انتظامی رسیدگی به تخلفات باشد. از طرفی به عنوان یکی از ضعف‌های موجود، اعطای «پایه یک» به همگی پس از اتمام دوره کارآموزی ترتیبی ناعادلانه و مغایر با شایسته‌سالاری حرفه‌ای است، موضوعی که درجه‌بندی اعضای این صنف را می‌طلبد. همچنین توسعه گرایش‌های حقوق ناشی از پیچیده شدن روابط و موضوعات حقوقی در جامعه نسبت به گذشته، «عدم تخصص وکلا» عامل ناکارآمدی حرفه‌ای است. با توجه به مطالب مذکور در طراحی ساختار پژوهش حاضر پس از ذکر اهمیت جایگاه این حرفه، ابتدا به تقویت معیارهای پذیرش وکلا و نظارت بر این حرفه پرداخته شده و سپس به ترتیب موضوع درجه‌بندی سطح وکلا و تخصص حرفه‌ای وکالت دادگستری بررسی و تحلیل می‌شود.

۲. اهمیت جایگاه وکیل دادگستری و ماهیت آن

شأن و مقتضای ذاتی وکالت، دفاع از کرامت انسان و قیام عدل و به نوعی مصالح اجتماعی محسوب می‌شود (ایرانشاهی، ۱۳۹۶: ۱۸۸). حرفه وکالت از مظاهر برجسته حکومت قانون در جامعه و نمودار تضمین حفظ حقوق افراد جامعه است (مهدوی شتقی، ۱۴۰۰: ۱۰۱). وکیل با دخالت خویش افزون بر دفاع از حق موکل به اجرای عدالت [در جامعه] نیز یاری می‌رساند (خزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶). نسبت به آثار سوء ضعف شاخصه‌های حرفه‌ای وکالت، شاید بتوان موکلان را ملموس‌ترین و آسیب‌پذیرترین

گروه دانست، تعهد وکیل به راستگویی فراگیرترین تعهد وی نسبت به موکل است. در آمریکا اگر وکیل با علم به عدم صحت نظر حقوقی خود، موکل را ترغیب به اقامه دعوا کند، در حکم کلاهبرداری است (خزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳). در ایران عبارت ماده ۴۵ قانون وکالت مبنی بر لزوم بیان اثر قانونی عدم پیشرفت دعوای موکل قبل از تنظیم قرارداد حق الوکاله، مصداقی از تعهد وکیل به راستگویی در برابر موکل است (خزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲). همچنین حکم ماده ۴۲ قانون وکالت مبنی بر لزوم همه‌جانبه رعایت احترام و نزاکت، مبین این است که وکیل نباید سخنان غیرمحترمانه موکل را بی‌تمیز در محکمه بازگو کند (محسنی، ۱۳۹۹: ۴۰). اهمیت این حرفه و نقش وی در احقاق حق، مستلزم سنجش علمی دقیق و استاندارد داوطلبان، آموزش و کارآموزی کافی و مؤثر، نظارت کافی بر شاغلان و از سویی درجه‌بندی و همچنین تخصص‌گرایی حرفه‌ای است.

در گزارش‌های کارشناسی مقدماتی مرکز پژوهش‌های مجلس درباره مجوزهای کسب‌وکار به هدف رفع انحصار و اقتصادی بودن موضوع آن تصریح شده است؛ عبارت «...تسهیل مجوزهای ضروری برای فعالان اقتصادی» (مرکزالمیری، ۱۳۹۸: ۲). گویای ویژگی اقتصادی موضوعات مشمول تسهیل مجوز است. در گزارشی دیگر در توضیح نوع گواهی و مجوز آمده است «... که برای شروع یا ادامه فعالیت اقتصادی ... صادر می‌شود» (شاهین جواد، ۱۳۹۲: ۲۴). مطابق نظر کارشناسی دیگری، بر اساس اصول اقتصاد، هر فعالیتی که در آن ازای خدمت، حق الزحمه دریافت می‌شود، مشمول کسب‌وکار است و باید احکام ضدانحصار درباره آن اجرا شود. علاوه بر این، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۱۳۰۲-۹۹/۱۱/۱۲ مصوبه دولت مبنی بر بارگذاری مجوز وکالت در درگاه ملی مجوزهای کسب‌وکار را مطابق با ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دانسته است (معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰: ۴). اما در نظر مخالف اولاً وکالت کسب‌وکار نیست، ثانیاً کانون وکلا نهاد تنظیم‌گر است و وصف انحصار اساساً بر آن بار نمی‌شود؛ زیرا کانون خود عمل وکالت انجام نمی‌دهد بلکه تنظیم‌گری می‌کند (فرحناکیان، ۱۴۰۲: legalaffairs.ir) رأی وحدت رویه شماره ۶۰۷ مورخ ۱۳۷۵/۰۶/۲۰ دیوان عالی کشور نیز با استناد به عدم ذکر وکالت در ماده ۲ قانون تجارت و به لحاظ داشتن مقررات خاص، به موجب تبصره ۱ ماده ۲ قانون نظام صنفی، آن را از شمول مقررات نظام صنفی مستثنا دانسته و بر این مینا شغل وکالت را از مصادیق حق کسب و پیشه و تجارت موضوع قانون و مستأجر ۱۳۵۶ خارج و آن را مشمول عمومات قانون مدنی و قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۶۲ دانسته است. از طرفی تسهیل هر امری مشمول بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت نخواهد شد؛ وکالت دادگستری و مشاوره فنی نیازمند دانش خاص و از مشاغل غیرتجاری محسوب می‌شود (کیا، ۱۴۰۲: ۱۹۰-۱۹۱).

۳. تقویت معیارهای پذیرش و کارآموزی وکالت دادگستری

به دلایل متعدد ارزیابی تأثیرات قانون و مقررات اهمیت فراوان داشته و مراحل قبل و بعد از تصویب مورد تأکید است (مرکزالمیری، ۱۴۰۳: ۷۹۹) و هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن (مرکزالمیری، ۱۴۰۳: ۸۰۲) باید لحاظ شود. ورود وکیل به جامعه با لحاظ عدم گزینش علمی مناسب بخشی از پذیرفته‌شدگان و ضعف کارآموزی، ممکن است اصحاب دعوا را با وکلایی مواجه سازد که به‌منظور اعاشه و کسب درآمد، اهتمام در اخذ پرونده‌ها با راهنمایی‌ها و تبلیغات کاذب دارند. طبعاً محصول این رویه، ایجاد زمینه محیط ناسالم است؛ پدیده‌ای که خود آستان ترویج ضد ارزش‌هایی چون، عدم صداقت، استفاده از نفوذ غیرقانونی، ارتشاء و غیره خواهد بود.

رویکرد ناشی از نقص ذکرشده شامل ناهنجاری‌هایی اعم از قبول وکالت بدون رعایت تخصص، ترویج وعده‌های کاذب، تبلیغات و به‌ویژه تبلیغات اغراق‌آمیز برای جلب موکلان، استفاده از ظاهرسازی‌ها برای جذب پرونده به‌جای مهارت و کسب دانش حقوقی، استفاده از واسطه‌ها و دلالان در مراحل مختلف از قبول وکالت تا انجام و اجرای آن و بی‌مسئولیتی در این حوزه است که بدون تردید جامعه حقوقی و فضای قضایی را متأثر خواهد کرد، ازاین‌رو اتخاذ راهکارهایی برای مواجهه با این آثار اهمیت جدی دارد. در کشورهایی که قبولی در آزمون مجوز ورود به شغل وکالت است، به‌وسیله وزارتخانه مربوطه یا کمیسیون احراز صلاحیت برگزار می‌شود. بر مبنای حفظ استقلال طبق نظر گزارشگر ویژه سازمان ملل، وضع معیارهای حداقلی برای ورود به این حرفه ضروری و مرجع احسن جهت فرایند پذیرش وکلا، کانون وکلای (تنگستانی و مرادی‌برلیان، ۱۴۰۰: ۶۰۴). بر اساس تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری اصلاحی به موجب تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۴ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار و به‌تبع آن تصریح ماده ۴۱ آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۴/۱۱). داوطلبانی که حداقل ۷۰ درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد حائزان بالاترین امتیاز را بر اساس نمره ترازشده کسب کرده‌اند، جهت طی مراحل مقتضی معرفی می‌گردند، مطابق ماده ۴۲ نصاب مذکور برای ایثارگران حداقل ۶۰ درصد است، به‌ویژه اینکه قانون استفساریه مواد ۳، ۴ و ۵ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ منظور از عبارت «امتیاز میانگین نمرات» در مواد را میانگین وزنی نمرات تراز شده، دانست نه نمره خام؛ نظری که موجب پذیرش بیشتر داوطلبان شد. این نظر در گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز مورد تأیید بوده است (دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱: ۲). این در حالی است که معیار سابق، کسب حداقل ۶۰ درصد از کل نمره آزمون و برای ایثارگران کسب حداقل ۸۰ درصد از حداقل نمره قبولی در کانون محل تقاضا بود.

[در حوزه کانون وکلای مرکز] در سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۹۴۴ نفر در آزمون وکالت مطابق قانون تسهیل پذیرفته شده است. با قانون تسهیل سطح علمی پذیرفته شدگان کاهش یافته و نمره میانگین ده نفر آخر پذیرفته شدگان این آزمون از ۲۰ نمره ۴ بوده است؛ پیشنهاد این است که نحوه ترازگیری اصلاح و معقول و منطقی شود، نسل آینده رشته حقوق با قانون تسهیل نمی تواند تخصص و شایستگی های لازم را داشته باشد (پایگاه خبری اعتبار، ۱۴۰۳: <https://www.ekhtebare.ir/?p=99836>) بنا به گزارش ها مسئولان دولتی نیز اظهار کرده اند: یکی از ایرادات قانون تسهیل این است که سبب کاهش سطح علمی وکلا می شود (پایگاه خبری اعتبار، ۱۴۰۲: <https://www.ekhtebare.ir/?p=80647>)

همچنین معاون حقوقی وقت مرکز وکلا کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه بیان داشته؛ قانون تسهیل سبب شده که سطح علمی داوطلبان به شدت تنزل پیدا کند؛ به گونه ای که افرادی با ۴ درس صفر از ۸ درس یا ۳ درس منفی از ۸ درس در این آزمون قبول شوند. در روش ترازگیری که به موجب استفساریه قانون تسهیل به تصویب رسید، داوطلبان اگر در جلسه امتحان حاضر شوند و برگه را سفید نیز تحویل دهند، نمره کسب می کنند. به طوری که در آزمون وکالت به چنین داوطلبی تراز ۲۷۰۰ تعلق می گیرد که البته طبق استعلام جدید که از سازمان سنجش شده، در آزمون جدید تراز برگه سفید ۳۷۰۰ اعلام شده است؛ براساس روش ترازگیری اگر داوطلب به تمام سؤالات پاسخ درست دهد، تراز که کسب می کند ۱۵۰۰۰ خواهد بود، با توجه به تجربه دوساله از قانون تسهیل حد نصاب قبولی داوطلب تراز حدوداً ۶۵۰۰ تا ۶۸۰۰ است. داوطلبی که در جلسه حاضر شده و با این حد نصاب نمره قبول می شود، حدود ۵۰ درصد از حد نصاب تراز وی به واسطه حضورش در جلسه آزمون، توسط قانون تسهیل و روش ترازگیری به او تقدیم شده است. این مسئول اجرایی نهاد وکالت برای برون رفت از این وضعیت پیشنهاد داده است؛ این حد نصاب به ۸۰ یا ۸۵ درصد ارتقا پیدا کند، تا کارنامه هایی با نمرات صفر و منفی در بین پذیرفته شدگان منتفی و همچنین تعداد جذب منطقی تر و واقع گرایانه شود، در این صورت حداقل های علمی رعایت و کیفیت آموزش، کارآموزی و نظارت های پسینی بر آنها بالاتر می رود. با این سازوکار افزایش تعداد وکلا به طور پلکانی و نه به یکباره و همراه با تلاش برای ارتقای فرهنگ مراجعه به وکیل در کشور محقق و در درازمدت عرضه و تقاضا در خدمات حقوقی متعادل خواهد شد (پایگاه خبرگزاری میزان، ۱۴۰۳: <https://www.mizanonline.ir/00K6Yr>)

قانون فعلی صرفاً معیار کسب نمره حداقلی (حداقل ۷۰ درصد نمره ۱ درصد برتر) را به عنوان معیار قبولی تعیین کرده است. این معیار اطمینان بخش نیست، زیرا ضعف احتمالی یک درصد با شدت بیشتر به تمامی پذیرفته شدگان سرایت می نماید. در فرضی که یک درصد برتر به دلیل ضعف علمی با نمرات پایین به عنوان معیار قرار بگیرند، ضعف گروه معیار سبب می شود سایر قبول شدگان نیز به تبع آن و با نمراتی در سطحی پایین تر جزء پذیرفته شدگان واقع شوند. ایراد رویکردی معیار مزبور وجود زمینه و امکان پذیرش

تعدادی از داوطلبان بدون دارا بودن کفایت علمی لازم برای ورود به شغل پرمخاطره وکالت است، بنابراین یکی از پیشنهادها افزایش حداقل نمره تعیین شده است، راه حل دیگر اضافه کردن معیار کف حداقل نمره به این معیار است؛ بدین نحو که علاوه بر معیار فعلی درصدی ثابت (برای مثال ۵۰ درصد کل نمره آزمون) به عنوان حداقل مقرر شود. این پیشنهاد ضعف احتمالی معیار حاضر را تا حدود زیادی برطرف می‌سازد.

یکی دیگر از حوزه‌های تقویت معیار سنجش، دقت در طرح سؤالات آزمون وکالت است. ناآشنایی طراحان سؤال با اصول آزمون‌سازی از علل اشکالات ساختاری سؤالات است (شکورنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۰). بر اساس تحقیقات صورت گرفته، مشخص نبودن یا عدم شفافیت و وضوح هدف سؤال یا عدم تبیین کامل هدف در ساقه سؤال، مهم‌ترین نارسایی در طرح سؤالات چندگزینه‌ای بوده است. همچنین استفاده از افعال منفی در سؤال (سردرگمی پاسخ‌دهنده)، استفاده از عبارات «همه موارد و هیچ کدام» (ناشی از ناتوانی طراح)، به کار بردن جای خالی به‌ویژه در ابتدا یا وسط سؤال، غلط املائی و اشکالات دستوری، عدم رعایت طول گزینه‌ها و عدم ارزیابی سطوح مختلف شناختی از اشکالات ساختاری سؤالات تستی است (شکورنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

در وضعیت کنونی که حذف ظرفیت پذیرش از یک سو و فقدان درصد نمره حداقلی ثابت از آزمون به شرح مذکور معیار پذیرش را سهل کرده است، دست کم باید با طرح سؤالات تحلیلی و استاندارد از ضعف روش جدید کاسته شود. استفاده از استادان برجسته و مجرب برای طرح سؤالات استاندارد موجب سنجش صحیح و شایسته داوطلبان است. بر عکس عدم دقت لازم در این بخش از فرایند پذیرش وکلا، ضربه مهلکی به نظام پذیرش وارد می‌سازد و هدف غایی از فلسفه آزمون که انتخاب شایستگان برای ورود به حرفة وکالت است، تحقق نمی‌یابد.

حقوق علمی تحلیلی است، کاربر حقوق در مرحله ورود به مشاغل اجرایی باید از ششم حقوقی لازم برای تحلیل داده‌ها، مسائل و قوانین و قواعد حقوقی برخوردار باشد تا بتواند به درستی راه حل صحیح و قانونی هر مسئله را کشف کند. چنانچه آزمون و یا غلبه سؤالات آزمون با موضوعات حفظی و واژگانی باشد، رسالت این آزمون به خطا می‌رود و بر عکس اشخاصی را به عنوان برتر و پذیرفته شده اعلام می‌کند، که با تمرکز بر حفظ مواد قانونی و یا مطالب حقوقی و صرفاً مهارت در تست‌زنی توانسته‌اند در آزمون چهارگزینه‌ای موفق شوند، درحالی که از بن مایه حقوقی و قدرت تحلیل که لازمه موفقیت در شغل وکالت است، تهی و بی‌بهره‌اند، قطعاً رویکرد چنین آزمونی، علاوه بر بی‌عدالتی و خطا در شناسایی داوطلبان توانمند، موجب تبعات ناگوار ناشی از ورود افراد ناشایست و نالایق در این عرصه خطیر و همه‌جانبه است. همچنین تحلیل سؤال از روش‌های مورد اعتماد شناسایی و پایش ایرادات موجود و تقویت کیفیت ارزیابی آموزشی به شمار می‌رود (کاظمی و احسان‌پور، ۱۳۸۹: ۶۴۸). تجزیه و تحلیل سؤال جنبه‌های کیفی (شکل، روش تهیه، دقت، سطح سؤال، تعیین روایی محتوا و سازه سؤال) و کمی سؤال

(اعتبار آزمون، قدرت تشخیص سؤال و اثر آن در تفکیک افراد توانا از ضعیف) بررسی می‌شود (شبان و رمضان، ۱۳۸۶: ۶).

مرحله پس از قبولی در آزمون، «کارآموزی» است؛ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ رئیس قوه قضاییه با اصلاحات ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ به موجب ماده ۵۴ (اصلاحی ۱۴۰۳/۰۳/۱۲) کارآموزان را مکلف به انجام تکالیفی در دو مرحله تحت نظر قانون کرده است. کارآموزان مرکز قوه قضاییه نیز مطابق ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۹۷ کارآموزان به مدت ۱۸ ماه مکلف به انجام وظایف مشابهی هستند. راهکار بعدی در مواجهه با تحولات نظام پذیرش حرفه وکالت، متناسب‌سازی امکانات دوره کارآموزی است. افزایش فراوان تعداد کارآموزان آن هم یکباره به بیش از ده برابر و بدون اینکه ظرفیت موجود در کانون‌ها و مرکز قوه قضاییه و همچنین دادگستری به‌عنوان محیط کارآموزی متناسب‌سازی شود، اصولاً نقص این دوران مهم را در پی دارد. تبعاً اثر مستقیم این نقص دامن‌گیر مرتبطین پرونده اعم از موکل، وکیل، وجهه عمومی شغل وکالت و دادگستری و در سطح کلان اثر سوء این رویه متوجه نظام قضایی کشور خواهد شد.

۴. نظارت بر حرفه وکالت دادگستری

سیستم نظارتی و رسیدگی به تخلفات اصناف مختلف از موضوعات مهم برای جلوگیری از انحراف اعضای مربوطه از مسیر صحیح و قانونی است؛ قوت این دو حوزه موجب افزایش هزینه انجام تخلف در مقایسه با سود حاصل از آن و در نتیجه کاهش تخلفات و تشویق رفتار حرفه‌ای قانونمند است. در حوزه وکالت دادگستری نیز این موضوع اهمیت دارد و ضعف نظام نظارت و رسیدگی به تخلفات وکلا موجب ایجاد زمینه فعالیت‌های غیرقانونی و کافی بودن آن موجب تقویت رفتارهای قانونمند و حفظ ارزش‌های حرفه‌ای در این حوزه می‌شود.

مبنای استقلال حرفه‌ای وکالت، نظارت کانون وکلا به‌عنوان یک نهاد مدنی، تضمین حقوق دفاعی و تأمین حاکمیت قانون است (محسنی و غمامی، ۱۳۹۴: ۳۱۰). حصول فلسفه حمایتی کانون وکلا منوط به رعایت مقررات توسط وکلاست؛ از این رو لازمه حمایت از این صنف و اعضای آن، نظارت بر فعالیت آنهاست (ذوالعین، ۱۳۸۰: ۹۷). عمل بر خلاف نظام صنفی، تخلف انتظامی است. مفهوم این اصطلاح نقض مقررات صنفی و قواعد خاص گروه‌های حرفه‌ای است (حاجی‌عزیزی و اعتماد، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۱). ضرورت تقویت سازوکار نظارت به‌ویژه در وضعیتی که با تحولات قانونی ناشی از تصویب قانون تسهیل، رقم وکلا به‌سرعت در حال افزایش است، اهمیتی مضاعف می‌یابد، به تبع این افزایش کمیته وکلا، متناسب‌سازی سیستم نظارتی از یک طرف و سیستم رسیدگی به تخلفات از طرف دیگر امری ضروری است. چنانچه در این دو

حوزه ظرفیت‌های موجود به موازات افزایش واردین به این حرفه ارتقا نیابد، به میزان این درنگ و عدم تناسب، فرصت ارتکاب رفتارهای خلاف حرفه‌ای در میان صنف وکلا افزایش می‌یابد.

به موجب مقررات وکالت (ماده ۵ لایحه استقلال قانون وکلا) حسب مورد یک یا دو نفر از اعضای هیأت مدیره عنوان «بازرس هیأت مدیره» (نه بازرس قانون وکلا) دارند، بدون اینکه دارای ساختار خاصی باشند و حوزه نظارت آنها نیز فعالیت و عملکرد هیأت مدیره است. حتی در خصوص بازرس هیأت مدیره نیز، نه در لایحه قانونی استقلال و نه در آیین‌نامه اجرایی آن هیچ‌گونه وظایف و اختیاراتی برای بازرس هیأت مدیره مشخص نشده و صرفاً در ماده ۵ لایحه قانونی استقلال قانون وکلا به وجود یک یا دو بازرس اشاره شده است.

با اختصاص این بازرس به هیأت مدیره اساساً این نهاد تکلیفی برای نظارت و بازرسی وکلای آن حوزه مبنی بر رعایت قانون و شئون شغل وکالت ندارد. بنابراین در کانون‌های وکلای دادگستری بازرس از بین اعضای هیأت مدیره انتخاب می‌شود و بازرس یا بازرسان، در زمره ارکان این نهاد مستقل مدنی قرار ندارند. از طرفی عدم پیش‌بینی شرح وظایف و اختیارات برای بازرس هیأت مدیره موضوع بازرسی را به امری چالشی در کانون وکلا تبدیل کرده است. این یکی از ایرادات اساسی لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری محسوب می‌شود که حق انتخاب بازرس را از هیأت عمومی سلب و به هیأت مدیره واگذار کرده است. ایراد دیگر اینکه قانون هیأت مدیره را مکلف کرده است تا بازرس یا بازرسان را صرفاً از میان اعضای خود انتخاب کنند؛ درحالی‌که اصولاً فلسفه و هدف اصلی انتخاب بازرس در اشخاص حقوقی، نظارت بر عملکرد مدیران یا هیأت مدیره یا ارگان اجرایی شخص حقوقی توسط شخص یا اشخاصی است که خود، دخالتی در اداره امور شخص حقوقی ندارند تا از این طریق بازرسی یا بازرسان بتوانند با فراغ خاطر تخلفات یا سوءاستفاده‌های احتمالی مدیران را به مجمع عمومی گزارش دهند و با نظارت بر مصوبات هیأت مدیره، انطباق و یا عدم انطباق آن تصمیمات و مصوبات با موازین قانونی را به مجمع عمومی اعلام کنند.

در پاسخ به نقص بازرسی نسبت به رفتار و عملکرد وکلا، بالأخره در سال ۱۴۰۰ به موجب ماده ۸۵ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری برای نخستین بار تأسیس اداره‌ای تحت عنوان «اداره نظارت و بازرسی» به صورت آیین‌نامه‌ای در مقررات وکالت پیش‌بینی شد؛ ماده ۸۵ این آیین‌نامه هدف از تشکیل چنین ساختاری را «انجام وظیفه نظارتی کانون بر وکلا و انجام تکالیف قانونی آنها و تضمین استمرار شرایط مقرر در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکلای دادگستری،...» بیان کرده و در مقررات مختلف از جمله ماده ۲ همان آیین‌نامه هدف از تشکیل کانون وکلای دادگستری را «ساماندهی امور وکلای دادگستری عضو کانون در هر استان» دانسته است. نظارت بر انجام تکالیف قانونی وکیل در شمار اهداف تشکیل کانون وکلای دادگستری و ماده ۸۵ صرفاً طریقه اجرای برخی از

این موارد نظارتی است. ریاست این اداره مطابق ماده ۸۵ توسط هیأت مدیره از بین وکلای حائز شرایط انتخاب می‌شود و صرفاً با ارجاع رئیس کانون مجاز به اقدام خواهد بود که خود دلالت بر نظارت مستقیم هیأت مدیره کانون و ریاست کامل رئیس کانون بر این اداره دارد. با این تفصیل مشخص است اداره نظارت و بازرسی در واقع کمیسیونی است که توسط هیأت مدیره کانون وکلای هر استان تشکیل می‌شود و زیر نظر رئیس کانون وکلای همان استان، عهده‌دار وظایف محوله خواهد بود.

اولاً سیستم نظارت در کانون وکلا و مرکز وکلای قوه قضائیه به نحو تخصصی اصولاً باید بر عهده نهاد بازرسی باشد، نظارت این رکن در هر حوزه باید توسط بازرسانی صورت گیرد که خود از وکلای همان حوزه‌اند. ایجاد چنین نهادی گام مهمی در تلاش برای حفاظت از استقلال [نهاد وکالت] است، علاوه بر این، نشان‌دهنده قدرت تعهد به اهداف پاسخگویی و اجرای کارآمد و مؤثر عدالت خواهد بود (Hartmus, 1999: 269). نهاد بازرسی به مثابه چشم این نهاد باید نسبت به قبل تقویت شود، به این نحو که اولاً ساختار مفصل و مناسبی برای رکن بازرسی تعریف شود؛ به طوری که متشکل از رئیس و اعضای مناسب با حوزه تحت نظارت شود و برای این نهاد شرح وظایف مبسوط و دقیقی لحاظ شود؛ ثانیاً تعداد بازرسان بر حسب تعداد وکیل اضافه‌شده در هر دوره متناسب‌سازی و افزایش یابد؛ ثالثاً کیفیت کار نظارت توسط بازرسان با تدارک آموزش‌های بدوی و دوره‌ای، ایجاد مقررات منسجم و جامع راجع به تعریف وظایف مربوطه و شیوه انجام بازرسی و گزارش‌دهی ارتقا پیدا کند تا در این بازار شلوغ با برخوردهای انتظامی و انضباطی مناسب و به‌موقع با اعضای متخلف قادر به ایفای رسالت خود باشند. هرگونه رهاشدگی و ضعف در این بخش می‌تواند مشوق انجام خلاف و ترویج بی‌اخلاقی‌های حرفه‌ای باشد.

حوزه دیگر نظارت در مفهوم اعم، نهاد رسیدگی به تخلفات اعضاست، مطابق ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه که در سال ۱۳۹۷ تصویب شد، «موارد تخلف و مجازات‌های مشاوران حقوقی و کارشناسان موضوع این آیین‌نامه حسب مورد همان است که در مورد وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری در سایر قوانین و مقررات مقرر گردیده است. تنبیهات انتظامی این افراد عبارت است از توبیخ کتبی بدون درج در پرونده، توبیخ کتبی با درج در پرونده، تنزل درجه، عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به‌طور موقت به مدت سه ماه تا سه سال و لغو یا عدم تمدید پروانه مشاوره حقوقی یا کارشناسی به‌طور دائم». نظارت و رسیدگی به تخلفات وکلای مرکز قوه قضائیه مطابق مقرراتی است که تحت عنوان «دستورالعمل اجرایی تبصره ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ به‌منظور رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا و کارشناسان قوه قضائیه و اعمال مجازات‌های انتظامی دادرسی و دادگاه انتظامی» در تاریخ ۱۳۸۶/۰۴/۲۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

مراجع رسیدگی به تخلفات اداری و انضباطی کارآموزان و وکلا شامل دادرسی انتظامی وکلا، دادگاه انتظامی وکلا (بدوی و تجدیدنظر) است. دادگاه‌هایی که انضباط حرفه‌ای را تجزیه و تحلیل کرده‌اند، به‌طور

معمول هدف آن را «حفاظت از عموم» توصیف کرده‌اند (Zacharias, 2003: 677-678). به‌منظور تجزیه و تحلیل معنای حفاظت از مردم، شناسایی چهار جهت‌گیری احتمالی از سوی مراجع انضباطی در اعمال مجازات‌های انتظامی مهم است؛ تمرکز بر موکلان و مجازات‌هایی که در راستای منافع آنهاست، تمرکز بر وکلای متخلف جهت بررسی صلاحیت وکلا را برای ادامه فعالیت مشخص کنند، تمرکز بر حرفه وکالت به عنوان یک کلیت، اینکه کدام مجازات‌ها به بهترین وجه شایستگی و رفتار اخلاقی را در عرصه وکالت تشویق می‌کند و در نهایت، تمرکز مراجع انضباطی در تلاش برای تقویت تأثیر استانداردهای حرفه‌ای در هدایت رفتار وکیل (Zacharias, 2003: 677-678). مراجع تعقیب و رسیدگی انتظامی وکلا (دادسرا و دادگاه انتظامی) که به‌عنوان مراجع شبه قضایی و اداری، اعضای متخلف را تحت تعقیب قرار داده و با صدور رأی به تخلفات آنها رسیدگی می‌کنند، ضروری است با افزایش کارآموزان و به تبع آن وکلای دادگستری، تعداد شعب این مراجع در کانون‌های وکلا و مراکز وکلا و مشاوران قوه قضاییه به میزان مناسبی افزایش یابد.

در گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس ضمن مؤثر دانستن نظارت پسینی بیان شده که اگر وکیل نتواند در نظارت پسینی در درجه خود نمره کافی بگیرد، به درجه پایین‌تر منتقل شود، در این نوع نظارت کیفیت و کارآمدی وکلا را علاوه بر آزمون، موکلان هم می‌توانند ارزیابی کنند. ارزیابی موکلان از تعهد، کارآمدی و کیفیت کار هر وکیل می‌تواند اجباری باشد و در ارتقای درجه وکلا به کار رود (معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰: ۴).

۵. درجه‌بندی سطح وکلای دادگستری

یکی از موضوعات اداری و صنفی رتبه و درجه اعضای آن است، اینکه هر عضو در چه مرتبه‌ای قرار دارد، بدون تردید اعضای هر صنف از حیث مهارت و امتیازات حرفه‌ای با یکدیگر برابر نیستند، نظام درجه‌بندی وسیله‌ای است برای شناسایی سطح آنان. در صنف وکالت نیز اصولاً وکلای دادگستری از حیث مهارت، تجربه و سابقه کار، میزان موفقیت در پرونده‌ها، سابقه تخلفات انتظامی یکسان نیستند، بر این مبنا عدالت حرفه‌ای ایجاب می‌کند که به این تفاوت‌ها ترتیب اثر داده شود، امری که علاوه بر ارج نهادن زحمات و تلاش‌ها برای ارتقا در سطحی بالاتر، مراجعه‌کنندگان و موکلان نیز در این راه یاری شوند و با آگاهی از سطح آنان برای انتخاب وکیل تصمیم‌گیری کنند.

در انگلستان وکلا به دو درجه شامل سولیستر^۱ (وکیل درجه دو) و باریستر^۲ (وکیل درجه یک) تقسیم

1. Solistor
2. Barrister

می‌شوند. گروه نخست تمامی فعالیت‌های حرفه‌ای حقوقی (مشاوره، تنظیم قرارداد، تنظیم وصیت‌نامه و اصولاً فعالیت‌های بدون نیاز به حضور در دادگاه) را انجام می‌دهند. دانش‌آموختگان حقوق پس از طی یک سال آموزش در انجمن حقوقی و سپس دو سال کارآموزی به درجه سولیستر نائل می‌شود. باریستر درجه بالاتر وکالت دادگستری است که دستیابی به آن نیازمند آموزش و یک سال دیگر کارآموزی نزد یک باریستر است. پس از ۱۰ سال سابقه وی می‌تواند از لرد چانسلر سمت ارشدیت (وکیل پادشاهی)^۱ درخواست کند (شیروی، ۱۳۸۹: ۱۶۲-۱۶۳).

قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۱۵ مبتنی بر نظام درجه‌بندی وکلای دادگستری است؛ این قانون سه درجه برای وکلا قائل شده و علاوه بر آن درجه چهارمی از وکلا به نام کارگشا نیز پیش‌بینی کرده است (صدرزاده افشار، ۱۳۸۵: ۱۱۷). ماده ۱ این قانون وکالت در عدلیه را دارای درجات ۱، ۲ و ۳ معرفی و اختیار آنها را بر حسب نوع درجه جهت وکالت در انواع محاکم (صلح، بدایت، استیناف و تمیز) تعیین می‌کند. مطابق تبصره ۱ این ماده وزارت عدلیه می‌تواند وکالت وکلای درجه ۲ و ۳ را محدود به حوزه معین کند. مواد ۳، ۴ و ۵ این قانون نیز به ترتیب متضمن مصادیقی است که وزارت عدلیه می‌تواند بدواً به آنها اجازه وکالت درجه ۱، ۲ و ۳ بدهد. ماده ۹ این قانون نیز به این درجات اشاره کرده است. همچنین ماده ۲۶ شرایط نیل به درجه وکالت بالاتر را بر اساس معیار سابقه وکالت و حسن انجام وظایف و ترقی علمی و عملی بیان کرده است.

با تصویب لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ اصولاً پروانه وکالت پایه دو و سه منتفی شد، مگر کسانی که از سابق مانده یا تنزل پایه یافته‌اند (شمس، ۱۳۸۱: ۲۴۹). به تصریح ماده ۷ اولاً به نحو عام پروانه وکالت برای دارندگان لیسانس حقوق پیش‌بینی گردید،^۲ ثانیاً پس از کارآموزی و اختبار به آنان پروانه پایه یک اعطا می‌شود. البته ماده ۱۱ این قانون شرط و ترتیب ترفیع وکلا را بیان می‌نماید. موضوعی که موضوعیت آن نه در نظام وحدت پایه، بلکه در نظام درجه‌بندی وکلا و تعدد پایه مفهوم می‌یابد. همین امر در آیین‌نامه لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب آذر ۱۳۳۴ در برخی مواد از جمله ماده ۱۸ به نوعی لحاظ شده است؛ اما به موجب ماده ۴۴ این آیین‌نامه نیز «چنانچه کارآموز تکالیف مقرر را انجام داده و از عهده اختبار برآید، پروانه وکالت درجه یک به او داده خواهد شد». با وجود مقرر مزبور که مبتنی بر نظام وحدت درجه (وحدت پایه) وکلاست، بخش چهارم این آیین‌نامه نیز تحت عنوان ترفیعات متضمن مقرراتی برای ترفیع وکلا از درجات ۳ به ۲ و ۱ است.

1. queen counsel

۲. به موجب ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری ۱۳۷۶ از نظر شرط علمی و تخصصی رشته فقه و حقوق اسلامی و معادل حوزوی نیز پذیرفته شد. (واحدی، ۱۳۷۹: ۸۸).

موضوعی که حداقل نسبت به کارآموزان بعد از تصویب این قانون متناقض است و تنها توجیه این است که مقررات ترفیع را صرفاً مشمول وکلای قبل از تصویب این مقررہ دانست، هرچند با سکوت آیین‌نامه مورد بحث این تفسیر دور است و به راحتی قابل پذیرش نیست.

در مقررات مشاوران و وکلای مرکز قوه قضاییه (م ۱۸۷ ب.س.ت) ابتدا درجه بندی پایه وکلا پذیرفته شد. به موجب ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۸۱/۰۶/۱۳ رئیس قوه قضاییه «مشاوران حقوقی موضوع این آیین‌نامه پس از اخذ پروانه به مدت دو سال مشاور حقوقی و وکیل پایه ۲ محسوب می‌شوند و تنها حق شرکت در محاکم کیفری که به جرائم «تعزیری مستوجب حبس کمتر از ۱۰ سال و شلاق و جزای نقدی و اقدامات تأمینی و بازدارنده» رسیدگی می‌کنند و نیز در محاکم حقوقی که به دعاوی با خواسته کمتر از پانصد میلیون ریال یا خواسته غیرمالی مگر در دعاوی مربوط به اختلاف در اصل نکاح اصل طلاق، اثبات و نفی نسب رسیدگی می‌کنند را دارند. پس از انقضای این مدت و احراز صلاحیت توسط هیأت پروانه مشاور به پایه (۱) ارتقا می‌یابد. دارندگان پروانه پایه (۱) حق شرکت در کلیه محاکم اعم از حقوقی، کیفری و غیره را دارند». همچنین در ماده ۲۶ این آیین‌نامه حق الوکاله مشاوران پایه ۲ حداکثر تا ۴۰ درصد و حق الوکاله مشاوران پایه ۱ حداکثر تا ۶۰ درصد تعرفه وکلای پایه یک دادگستری تعیین شد.

اما در آخرین تحول که به موجب آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه مصوب سال ۱۳۹۷ رخ داد، این نقطه قوت مرکز وکلای قوه قضاییه از بین رفت و در عبارت پایانی ماده ۱۷ مقرر شد که «پس از طی این دوره (کارآموزی) و موفقیت در اختبار به آنان پروانه پایه یک اعطا می‌گردد».

ماده ۲۵ این آیین‌نامه کارآموزان وکالت، وکلای دارای پروانه پایه ۲ وکالت و نیز وکلایی را که به تنزل درجه محکوم می‌شوند، فاقد حق وکالت در برخی دعاوی مهم از جمله وکالت در دیوان عالی کشور و غیره کرده است. ماده ۱۲ دستورالعمل اجرایی تبصره ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ نیز این موضوع را بیان کرده است: «تنزل درجه وکیل به رئیس دادگستری حوزه قضایی محل خدمت وی اعلام می‌گردد و در دفترچه وکالت محکوم علیه منعکس می‌شود. همچنین تکرار تخلفات انتظامی کمتر از تنزل درجه تا سه بار موجب تنزل درجه یا محرومیت از ارتقا، برای مدت دو سال می‌باشد».

با توجه به مقررۀ ماده ۱۷ مبنی بر اعطای پروانه پایه یک پس از کارآموزی باید موضوع این ماده و مصداق وکالت پایه ۲ را محدود به دو مورد دانست؛ یکی وکلای پایه دو باقیمانده قبل از تصویب آیین‌نامه ۱۳۹۷ و دیگری وکلای پایه یک که به دلیل محکومیت انتظامی به تنزل پایه محکوم می‌شوند؛ بنابراین بعد از تصویب آیین‌نامه ۱۳۹۷ در خصوص وکلای مرکز قوه قضاییه (ماده ۱۸۷ ب.س.ت) نیز تنها مصداق وکیل پایه دو، ناشی از تنزل درجه است.

با نظام وحدت درجه در کشور ما حداقل نسبت به اعضای کانون وکلا نامگذاری و عنوان «وکیل پایه

یک» متضمن ایراد ماهوی و واژگانی است، زیرا بر مبنای اثر ترتیبی اعداد، عدد «یک» اساساً زمانی مفهوم دارد که اعداد دیگر و حداقل عدد «دو» نیز در کار باشد. عدد «یک» و اصولاً اعداد در موضوعی مانند پایه وکلا در واقع از نوع ترتیبی است، از این رو با فقدان اعداد یا عدد بعدی (دو به بعد) موضوعیت خود را از دست می‌دهد. در مقررات صنفی وکالت، استعمال اصطلاح «وکیل پایه یک دادگستری» در حالی است که وکیل پایه دو و به طریق اولی پایه‌های بعدی اصولاً منتفی است؛ چه اصولاً شخص پذیرفته‌شده در آزمون وکالت پس از طی کارآموزی به وی عنوان وکیل پایه یک داده می‌شود، موضوعی که برای افراد جامعه به‌ویژه موکلان و مراجعان موجب این کج‌فهمی است که لابد وکیل پایه دو نیز وجود دارد و وکیل موردنظر از ویژگی ممتاز و خاصی نسبت به برخی دیگر از وکلا برخوردار است.

بنابراین حتی اگر اراده بر ادامه وضعیت فعلی مبنی بر پایه واحد برای وکلای دادگستری باشد، عدد «یک» را باید حذف و صرفاً به اصطلاح «وکیل دادگستری» بسنده کرد؛ این اصطلاح منطبق با واقعیت حقوقی حرفه وکالت در نظام حقوقی ایران است که همه وکلا را اعم از مبتدی و مجرب برابر و هم‌درجه دانسته است.

در حال حاضر مطابق مقررات موجود و رویه عملی وکالت دادگستری از نظر درجه و سطح به دو عنوان قابل تقسیم است: یکی دوره کارآموزی که عنوان «کارآموز وکالت» دارد و دیگری پس از طی دوره کارآموزی و اختبار که عنوان «وکیل دادگستری» می‌یابد. بنابراین عنوان «وکیل پایه یک دادگستری» عنوانی است مغایر با واقعیت و موجب برداشت نادرست عموم و مراجعان به وکلا و نیازمند اصلاح است.

گذشته از ایراد مزبور که به‌منظور جلوگیری از وهم و استنباط ناصحیح افراد جامعه در وجود وکیل پایه دو و احیاناً پایه‌های دیگر، تصحیح قانونی آن ضرورت دارد، ایراد اساسی اتخاذ نظام وحدت پایه وکالت دادگستری در ایران است. سیستم وحدت درجه وکلای دادگستری به‌نوعی مستلزم عدم لحاظ تجربه و توانایی وکلاست؛ در نظام حقوقی که همچون کشور ما همه پذیرفته‌شدگان پس از کارآموزی به اخذ پروانه پایه یک وکالت دادگستری نائل می‌شوند، رویکردی جز این ندارد که با عدم لحاظ تجربه و سابقه وکلای برتر، همه را مساوی و هم‌درجه معرفی می‌کند.

درجه‌بندی و تعیین سطح یکی از موضوعات مهم صنف وکلای دادگستری است، موضوعی که نوعاً موجب شناسایی میزان تجربه و مهارت این قشر از فعالان حقوقی می‌شود، لحاظ درجه و پایه‌های متعدد برای دارندگان پروانه وکالت دادگستری و در واقع نظام تعدد پایه از راه‌های تقویم نظام حرفه وکالت، است، تعدد پایه برای وکلای دادگستری موجب طبقه‌بندی آنان و نوعاً معرف سطح توانایی هر وکیل است و سبب می‌شود مراجعان به آنها اعم از موکلان و مشاوره‌گیرنده که قصد دارند از توانایی و خدمات حقوقی آنها استفاده کنند، حداقل در تشخیص نوعی سطح هر وکیل مساعدت شوند تا در انتخاب صحیح وکیل بر حسب نیاز حقوقی خود منطقی عمل کنند.

تعدد پایه وکلای دادگستری متضمن سهولت جامعه در انتخاب و گزینش وکیل است، درحالی‌که

فقدان تعدد پایه جز نادیده گرفتن تفاوت‌ها و توانایی‌های وکلا و ظلم در حق وکلای برخوردار از توانایی و تجربه بالاتر (نسبت به دیگر وکلا) دستاوردی ندارد. تعدد پایه و اعطای پایه به هر وکیل مطابق معیارهای استاندارد، اقدامی در راستای بهادادن به توانایی، شایستگی و داشته‌های خاص وکلا و هماهنگ با نظام شایسته‌سالاری است.

برای اعطای پایه وکیل می‌توان از معیارهای متعددی از جمله سابقه وکالت، مدارک تحصیلی و سایر شاخصه‌های مؤثر از جمله عدم سابقه تخلف انتظامی بهره برد. در پرتو سیستم وحدت پایه در حرفه وکالت، هیچ تفاوتی بین وکلایی که دیروز کارآموزی را گذرانده و امروز وکیل شده‌اند، با وکلای با سابقه بیست یا چهل سال یا بیشتر وجود ندارد و از نظر معیار مدرک تحصیلی یا علمی نیز هیچ تفاوتی بین وکیل با مدرک کارشناسی حقوق با وکیل با مدرک دکتری حقوق و یا دارای دستاوردهای پژوهشی و سوابق علمی وجود ندارد. این تحلیل و واقع‌بینی آثار ناعادلانه ادامه وضعیت تک‌پایه‌ای و فایده تعریف پایه‌های متعدد برای این دسته از فعالان جامعه حقوقی و در نتیجه ضرورت اصلاح نظام پایه و درجه‌بندی وکالت دادگستری را روشن می‌سازد.

در گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز ضمن تأیید ورود افراد کم‌سواد به حرفه وکالت به‌عنوان یکی از معایب روش فعلی و باز کردن درهای ورودی بازار خدمات حقوقی به‌عنوان یک «نگرانی به‌حق» راه چاره روشن و مؤثر را در لحاظ تنوع در انواع درجات و خدمات دانسته و پیشنهاد شده است تازه‌واردان به این بازار ابتدا در مشاغل کمتر تخصصی نظیر مشاوره حقوقی و یا حتی دستیار وکیل کسب تجربه کنند و سپس به تدریج به درجات بالاتر مشاوره ارتقا یابند و پس از مدتی وکیل پایه ۳، ۲ و ۱ شوند (احمدیان و سیاح، ۱۴۰۰: ۱۱). در گزارش کارشناسی دیگری نیز آمده است: «بعد از انحصارزدایی و باز شدن درهای ورود به حرفه وکالت، شاغلان این حرفه درجه‌بندی شوند؛ تازه‌واردان به درجات پایین‌تر نظیر ارائه مشورت‌های حقوقی بپردازند و پس از چند سال و کسب تجربه و گذراندن امتحان و نداشتن شکایت و تخلف به درجه بالاتر بروند، به‌طوری که هر داوطلب وکالت پس از چندین سال تجربه و گذراندن امتحانات متعدد به درجه وکیل پایه یک برسد» (معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰: ۴).

۶. تخصص حرفه‌ای وکالت

در تعریف فلسفی فهم‌محور، «تخصص» امری شناختی و لازمه آن داشتن اطلاعات کافی در خصوص آن موضوع به‌نحو جامع و منسجم است؛ انسجام توانایی استفاده از قسمتی برای استدلال به نفع قسمت دیگر، نتیجه‌گیری قسمتی از قسمت دیگر و به‌کارگیری قسمتی از اطلاعات برای تبیین قسمت دیگر است. صادق و واقعی بودن اطلاعات (بسمل و طاهری خرم‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۰۷). فهم موضوعی و کارآمدی از شروط لازم برای تخصص هستند. در پرتو شرط اخیر (کارآمدی) افرادی که در ازمنه سابق

جزء متخصصان بودند، اکنون متخصص محسوب نمی‌شوند، زیرا دامنه اطلاعات وی برای جوامع امروزی کارآمد نیست (بسمل و طاهری خرم‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۱۰)

در عصر کنونی با توسعه حوزه‌های گوناگون بشری و نیاز به تربیت متخصص در هریک از این حوزه‌ها، مرز رشته‌ها بیش از پیش مستحکم شده است (حاتمی و روشن‌چشم، ۱۳۹۱: ۱۰۱). با انفجار اطلاعات حتی در رشته‌های تخصصی نیز دانش با تزايد مواجه است تا آنجا که دستیابی کامل به اطلاعات حتی تخصصی نیز ناممکن شده است (برزگر، ۱۳۸۷: ۵۵). فارغ از تأیید اهمیت مطالعات میان‌رشته‌ای و مسئله وحدت علوم، تخصصی شدن هر موضوع اصولاً موجب تعمیق، پیشرفت و گسترش کمی و کیفی آن است، با تخصصی شدن، به جای تمرکز مقداری معین از توانایی بر یک مجموعه، این تمرکز بر هر بخش از آن به تفکیک اعمال می‌شود، به هر میزان فرایند تخصصی شدن تحقق یابد، هر بخش از آن مجموعه و در نتیجه تمامیت آن توسعه و اعتلا می‌یابد.

یکی از راه‌های تقویت نهاد وکالت دادگستری، تخصصی شدن آن است. امروزه فرایند تخصصی شدن در همه علوم و مشاغل پذیرفته شده و اساساً پیشرفت علوم، صنایع، مهارت‌ها و اصناف که تخصص را ناگزیر ساخته است، به‌طور متقابل تخصص‌گرایی پیشرفت و توسعه بیشتر آنها را سبب شده است. در سابق اگر هر دانشمندی تقریباً در همه علوم و یا انواعی از آن اعم از فلسفه، ریاضی، نجوم، هنر و شعر تبحر می‌یافت، اکنون به دلیل توسعه و گسترش علوم چنین امری ناممکن شده است، بلکه نه تنها هر علم جدا از سایر علوم است، گرایش‌های آن نیز به نحو فزاینده در حال تخصصی‌تر شدن است تا آنجا که در حیطه پزشکی دوره تخصص یا فوق تخصص گاه منحصر به قسمتی از یک عضو مانند قرنیه چشم، شبکه چشم و امثال آن شده است، در فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست، علوم فنی و مهندسی، هنر، علوم دینی و علوم انسانی نیز این امر اتفاق افتاده است. این تحول و حرکت تخصصی شدن که معلول پیشرفت علوم و فنون است حرکتی ادامه‌دار و غیرقابل توقف است، به‌طوری که به موازات توسعه علوم، فرایند تخصصی شدن نیز تداوم خواهد داشت.

تخصصی شدن علوم موجب عدم آگاهی سایرین از مفاهیم و نظریه‌های علمی شده است (قدیمی و کریمی‌زاده اردکانی، ۱۴۰۱: ۱۳). رشته حقوق که منشعب از علوم انسانی است، خود نیز پای در راه تخصصی شدن نهاده است؛ اگر گرایش‌های رشته حقوق در سابق شامل چهار گرایش حقوق خصوصی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل بود هم‌اکنون این گرایش‌ها افزایش یافته، به‌طوری که در سال‌های اخیر انواعی مانند حقوق مالکیت فکری، حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق اقتصادی، حقوق مالی، حقوق خانواده، حقوق شرکت‌های تجاری، حقوق ثبت اسناد و املاک، حقوق فناوری‌های نوین و غیره ایجاد و این روند تکاملی در حال تزايد و گرایش‌های جدید در حال تولد است. این تحول و حرکت امری مبارک و از تعمیق این رشته و توسعه روزافزون آن حکایت دارد.

در عصر حاضر وکالت دادگستری با وضع نظامات و مقررات ویژه برای آن جزء خدمات عمومی شده است؛ بر اساس اصل انطباق اگر منافع عمومی ایجاب کند که به دلیل توسعه و تنوع ارتباطات اجتماعی، تخصصی کردن خدمات وکلا برای دفاع مؤثر لازم باشد، اصلاحات مربوط باید انجام گیرد (تنگستانی و مرادی‌برلیان، ۱۴۰۰: ۵۹۹). با وجود تحول تخصصی شدن در همه علوم و از جمله در رشته حقوق به نحو دامن‌دار و پویا، حرفه وکالت دادگستری در کشور ما از این قافله و روند تکاملی عقب مانده است و سالیان سال است که یک عنوان بیشتر ندارد و آن هم «وکیل دادگستری» است. تحولات زندگی اجتماعی و ایجاد ابعاد گوناگون از روابط بین اشخاص موجب پیدایش موضوعات جدید حقوقی و یا ابعاد تازه‌ای از موضوعات پیشین شده است، حرفه وکالت به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های عملیاتی رشته حقوق باید به صورت تخصصی درآید و برای هر موضوع و یا چند مورد مرتبط یک تخصص تعریف شود.

در فرانسه در پی اصلاح ۱۹۹۰ و صدور بخشنامه ۱۹۹۳/۱/۸ این امکان برای وکلا فراهم شد تا پس از ارزیابی و تأیید تجربه و صلاحیت وکلا در زمینه‌ای خاص و همچنین قبولی در امتحانات مربوطه در یک یا چند رشته از قبیل حقوق عمومی، تجاری، مالیاتی، املاک و غیره درجه تخصص دریافت کنند (ذوالعین، ۱۳۸۰: ۱۰۳). حتی گفته شده که برای وکلای خانواده، صلاحیت باید فراتر از ویژگی‌های کیفیت دانش و مهارت حقوقی باشد، بلکه باید در برخورد با عواطف انسانی آگاه و ماهر باشند و خواسته‌های با جنبه‌های عاطفی و روانی وکالت خانواده را نادیده نگیرند (Glanser Fines & Madsen, 2007: 965). باید مهارت و دانش قوی گوش دادن و مشاوره خود را توسعه دهند تا بتوانند به طور شایسته از طرف موکلین وکالت کنند (Glanser Fines & Madsen, 2007: 966)؛ در آلمان وکلا می‌توانند نوع فعالیت‌ها و تخصص خود را تبلیغ نمایند، به تبع توسعه روزافزون فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی، تخصص در وکالت روزبه‌روز در حال گسترش بوده و تلاش هر وکیل تمرکز بر رشته خاصی است (شیروی، ۱۳۸۹: ۲۵۰).

در حقوق ایران تنها مقرر در زمینه وکالت تخصصی تبصره ۳ ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۷ است که برای اعضای مرکز قوه قضاییه این امکان تدبیر شده است؛ این مقرر بیان می‌دارد: «آن دسته از مشاوران حقوقی که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالا هستند می‌توانند درخواست صدور پروانه تخصصی در رشته‌ای که در آن رشته مدرک تحصیلی خود را اخذ کرده‌اند بنمایند؛ در چنین صورتی حق الوکاله و حق مشاوره آنها در پرونده‌های مرتبط با رشته تخصصی آنان ۲۵ درصد بیش از مبالغ مذکور در ماده ۲۶ خواهد بود».

این مقرر اگرچه به عنوان نخستین اقدام قانونی در جهت شناسایی تخصص در وکالت دادگستری مبارک و قابل تحسین است، اما اولاً ناکافی است و تنها معیار را مدرک تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی (ارشد به بالا) معرفی کرده است، بدون اینکه مورد سنجش واقع شود؛ ثانیاً ایراد دیگر این مقرر

تک‌معیار بودن آن است، درحالی‌که معیارهای دیگر از جمله فعالیت‌های پژوهشی مانند موضوع مقالات علمی و کتاب‌های تألیفی و همچنین معیارهای تجربی و سوابق کاری وکیل مدعی تخصص می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ برای مثال سوابق قضایی در شعب حقوقی یا کیفری و یا فعالیت قبلی وکیل به‌عنوان کارشناس یا نماینده حقوقی ادارات و مؤسسات نباید در لحاظ تخصص نادیده گرفته شود؛ ثالثاً مقررۀ مزبور صرفاً مربوط به مشاوران و وکلای مرکز قوه قضاییه است، اما در خصوص وکلای عضو کانون وکلا هیچ مقرره‌ای در راستای وکالت تخصصی و امکان صدور پروانه تخصصی وجود ندارد.

نتیجۀ وضعیت کنونی و فقدان تخصص در حرفه وکالت از موجبات جمود شغلی است، این کاستی پیامدی جز ممانعت از پیشرفت و توسعه این حرفه علی‌رغم پدیدار شدن موضوعات جدید یا ابعاد تازه از موضوعات حقوقی موجود ندارد. به‌منظور پاسخگویی به نیازهای نوین و متعدد حادث از تحولات اجتماعی و پیچیدگی‌های فزاینده زندگی اجتماعی، حقوق و از جمله حرفه وکالت نیازمند فعالیت تخصصی است. با تحولات ایجادشده و ایجاد گرایش‌های متعدد در رشته حقوق، چگونه باید پذیرفت که یک وکیل دادگستری می‌تواند در همه آنها به دانایی و تبحر لازم برسد تا وکالت آنها را به‌عهده گیرد؟ اگر گرایش‌های رشته حقوق در تحصیلات تکمیلی دانشگاهی و حوزه نظری هر سال به‌درستی برای پاسخگویی به مسائل جدید گرایش‌های تخصصی آن در حال افزایش است، وکالت مرحله عملیاتی کردن همین معلومات دانشگاهی است، چرا نباید هماهنگ با این تحولات تئوریک، حرفه وکالت نیز به‌عنوان مرحله عملیاتی آنها تخصصی شود.

تعیین و ایجاد تخصص‌های وکالت دادگستری نیاز به کار کارشناسی دارد تا عناوین مورد نیاز آن مشخص شود و بر مبنای آن اقدام کنند. همان‌گونه که علم پزشکی به موازات گرایش‌های این علم در دانشگاه و مرحله آکادمیک، در مرحله عمل و طبابت نیز نوع تخصص اعمال می‌شود، چنین تحولی در حرفه وکالت دادگستری نیز الزامی است تا بتواند همراستا با واقعیت‌ها و نیازهای حقوقی وکلا به‌صورت تخصصی به فعالیت در این حوزه بپردازند و نیاز مراجعان و موکلان را به‌نحو درخور برآورده سازند.

جواز اقدام هر وکیل در هر موضوعی فارغ از تخصص وی مصداق بارز عبارت معروف «همه کاره و هیچ کاره» است. تخصصی شدن وکالت به‌ویژه با تحولات اخیر که موجب پذیرش بیشتر و افزایش تعداد وکلای دادگستری شده است، در عمل سبب توزیع عادلانه و منطقی پرونده‌ها با لحاظ تخصص هر وکیل می‌شود و می‌تواند از تراکم رقابت شاغلان این حوزه و وکالت غیرتخصصی بکاهد. لحاظ تخصص موجب کارآمدی بیشتر وکلا و افزایش سطح معلومات و مهارت در گرایش تخصصی هر وکیل خواهد شد، امری که تعمیق و پیشرفت این حرفه در ابعاد مختلف موضوعات حقوقی را در پی دارد؛ این امر علاوه بر آثار مثبت حرفه‌ای در این شغل می‌تواند به اعتلای علم حقوق نیز کمک کند. فایده اجتماعی این فرایند علاوه بر موکلان، مشاوره‌گیرندگان و سایر مراجعان اثری مثبت در انتقال

تعمیق علم و مهارت وکلا به قضات و فضای مراجع قضایی خواهد داشت؛ رویکردی که نتیجه تعامل وکلای تخصصی با این مراجع است.

آنچه برای اقبال عمومی جامعه و وکلا و به‌ویژه وکلای کنونی و در راستای دسترسی به وکیل و عدم محدودیت موکلان و وکلا مفید به نظر می‌رسد، این است که با تخصصی شدن وکالت، اولاً اخذ تخصص وکیل اختیاری و به خواست وی باشد؛ ثانیاً منعی برای فعالیت وکلا در موضوعات خارج از تخصص نباشد، به عبارت دیگر تخصص وکیل مزیتی برای وی در معرفی تبحر بیشتر او در رشته تخصصی باشد نه محدودیت نسبت به موضوعات خارج از تخصص؛ زیرا وکالت از عقود است که شخصیت وکیل علت عمده عقد است و اصولاً موکل با لحاظ این مهم به وی وکالت می‌دهد؛ ثالثاً معیارهای مناسبی برای اعطای پروانه تخصصی وکالت تعیین گردد؛ برخی از این معیارها می‌تواند رشته و گرایش تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری)، نوع فعالیت‌ها و موضوع سوابق پژوهشی مانند مقالات علمی پژوهشی و کتاب‌های تألیفی، سوابق و تجربه کاری (مانند سوابق قضایی در شعب کیفری یا حقوقی، کارشناس حقوقی در ادارات یا شرکت‌های دولتی و خصوصی)، نمرات پذیرفته‌شده در آزمون بر اساس نوع مواد درسی، نمرات آزمون اختبار بر اساس نوع مواد درسی باشد.

پیشنهاد پژوهش حاضر برای تخصصی نمودن حرفه وکالت دادگستری استفاده از روش‌های زیر است: روش اول این است که تخصص هر وکیل بر اساس معیارهای تحصیلی، پژوهشی و کاری و یا ترکیبی از آنها، مشخص و در پروانه کارآموزی وی درج شود. در این روش پس از قبولی در آزمون وکالت و قبل از شروع دوره کارآموزی، تخصص وکیل مشخص می‌شود تا وکیل بخشی از دوره کارآموزی خود را نیز بر مبنای تخصص خود طی کند و قسمت معقولی از برنامه آموزشی و عملی خود را معطوف به موضوعات و پرونده‌های مرتبط با تخصص بگذراند. مزیت این روش هماهنگی دوره کارآموزی با تخصص وکیل است که موجب افزایش کیفیت مهارت و کارایی در تخصص وی خواهد شد.

روش دوم این است که پس از طی دوره کارآموزی وکالت، تخصص وکیل تعیین شود. معیار مناسب برای این شیوه علاوه بر رشته تحصیلی، فعالیت‌های پژوهشی و سوابق کاری، استفاده از نمره اخذی آزمون اختبار است که بر اساس نمره دروس مربوطه و ترکیبی از نمرات اختبار و سایر معیارها (رشته تحصیلی، سوابق پژوهشی یا سوابق کاری) تخصص وکیل مشخص شود. مزیت این روش وسعت اختیار به وکیل در تصمیم‌گیری تعیین تخصص خود است؛ به‌طوری‌که با ورود به مرحله عملیاتی کارآموزی بهتر می‌تواند علاقه و موفقیت خود را کشف و انتخاب کند.

۷. نتیجه

وکالت دادگستری به‌عنوان یک حرفه تخصصی مستلزم دقت و اطمینان در شایستگی و صلاحیت واردین

به این صنف است، هرگونه کوتاهی و تسامح در این امر تبعات ناخوشایندی ایجاد می‌کند و مضر به حال موکلان و مراجعان، سیستم قضایی، صنف وکلا و در نهایت جامعه است، تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و شمول آن بر این حرفه به دلیل معیار اتخاذی سبب افزایش شایان توجه پذیرفته‌شدگان وکالت شد، علاوه بر ایراد معیار این قانون به شرح متن مقاله و امکان قبولی تعدادی از شرکت‌کنندگان با ضعف علمی، افزایش دفعی و یکباره کارآموزان مستلزم افزایش امکانات کارآموزی است و هرگونه نقص در این حوزه موجب ناکارآمدی آنان و تبعات حاصل از آن خواهد بود. راهکارهایی چون اضافه کردن حداقل درصدی ثابت از نمره آزمون، طرح سؤالات تحلیلی و استاندارد به منظور سنجش صحیح داوطلبان این شغل خطیر، متناسب‌سازی امکانات کارآموزی، به موازات افزایش کارآموزان می‌تواند از آثار منفی آن بکاهد.

تقویت سازوکار نظارت بر فعالیت وکلا نیز با ساماندهی سیستم بازرسی با تدوین ساختارهای صحیح قانونی و لحاظ اختیارات و وظایف جامع و همچنین تقویت و متناسب‌سازی تعداد شعب دادرسی و دادگاه‌های انتظامی وکلا به‌ویژه در پی افزایش تعداد وکلا امری ضروری برای جلوگیری از ارتکاب تخلفات در این بازار شلوغ است و از راهکارهای حفظ سلامت در این بخش مهم از جامعه حقوقی محسوب می‌شود.

سیستم وحدت پایه در نظام وکالت دادگستری از موجبات نادیده گرفتن امتیازات برخی وکلا در مقایسه با سایر وکلایست، حال آنکه درجه‌بندی وکلا از ملزومات شایسته‌سالاری است و موجب ایجاد انگیزه برای ارتقای سطح علمی و عملی وکلا خواهد شد، به‌ویژه در وضعیت فعلی و با تحولات قانونی اخیر که تعداد وکلا به سرعت در حال افزایش است، برای درجه‌بندی وکلا و لحاظ درجات باید از شاخصه‌های متعددی از جمله سابقه وکالت، مدارک تحصیلی و سایر شاخصه‌های مؤثر از جمله عدم سابقه تخلف انتظامی بهره برد.

عدم شناسایی تخصص حرفه‌ای وکالت دادگستری نیز از جمله نقایص این حوزه مهم از جامعه حقوقی است؛ تخصصی شدن حرفه وکالت متأثر از تخصصی شدن آموزش‌های تحصیلی و دانشگاهی و افزایش این گرایش‌ها که ناشی از پیچیده شدن روابط حقوقی و توسعه علم حقوق است، امری الزامی است که هم موجب پاسخگویی این حرفه به مشکلات حادث و کارآمدی آن همگام با واقعیت‌های روز خواهد شد و هم تعمیق بیشتر حوزه عملی علم حقوق و به تبع ارتقای دانش حقوقی را در پی دارد. در این زمینه پیشنهاد نوشتار به شرح مذکور در متن پژوهش اولاً اختیاری بودن تخصص و لحاظ آن بر اساس رشته تحصیلی، سوابق پژوهشی، تجربی و کاری به عنوان یک مزیت باشد؛ ثانیاً اگرچه وکلای دادگستری بتوانند هر پرونده‌ای خواه در تخصص یا خارج از تخصص را به عهده بگیرند، اما داشتن پروانه تخصصی به مردم و موکلان این اطمینان نوعی را می‌دهد که اگر بخواهند در هر موضوع به متخصص آن رجوع کنند، امری که می‌تواند به ساماندهی و ارتقای کارکردی این حرفه کمک کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ایرانشاهی، علیرضا (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی* (۱). تهران: دانشگاه پیام نور.
۲. شمس، عبدالله (۱۳۸۱). *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، چ سوم، تهران: میزان.
۳. شمس، عبدالله (۱۳۸۲). *آیین دادرسی مدنی*، ج ۲، چ چهارم، تهران: میزان.
۴. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹). *حقوق تطبیقی*، چ هشتم، تهران: سمت.
۵. صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۸۵). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی (دادگاه‌های عمومی و انقلاب)*. تهران: جهاد دانشگاهی-واحد علامه طباطبائی.
۶. غمامی، مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۸۶). *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*. تهران: میزان.
۷. فیاض، محمدصادق (۱۳۹۳). *بررسی فقهی وکالت زن در دعاوی و مجلس*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: درس‌هایی از عقود معین*، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۹. کریمی، عباس (۱۳۸۶). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: مجد.
۱۰. واحدی، قدرت‌الله (۱۳۷۹). *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*. تهران: میزان.

ب) مقالات

۱۱. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۷). *تاریخچه، چستی و فلسفه‌پیدایی علوم میان‌رشته‌ای*. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱(۱)، ۳۷-۵۶.
۱۲. بسل، مصطفی؛ طاهری خرم‌آبادی، سیدعلی (۱۴۰۲). *چستی تخصصی: اندیشه فلسفی*، ۳(۳)، ۱۹۹-۲۱۳.
۱۳. ذوالعین، نادر (۱۳۸۰). *وکالت دادگستری در فرانسه، حرفه‌ای تحت حمایت و نظارت کانون وکلا*. *مجله کانون وکلا*، ۱۷۳(۱)، ۹۵-۱۰۸.
۱۴. تنگستان، محمدقاسم؛ مرادی برلیان، مهدی (۱۴۰۰). *گستره نقش دولت در تنظیم و نظارت بر حرفه وکالت دادگستری*. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۱(۲)، ۵۹۵-۶۱۸. doi: 10.22059/jpls.2019.281650.2014
۱۵. حاتمی، محمدرضا؛ روشن چشم، حامد (۱۳۹۱). *ماهیت رویکرد میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی با تأکید بر اندیشه‌های هابرماس*. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۵(۱)، ۹۹-۱۱۵.
۱۶. حاجی عزیزی، بیژن؛ اعتماد، سیده‌مریم (۱۳۹۸). *مسئولیت کیفری وکیل دادگستری: پژوهش‌های حقوقی*، ۱۸(۳۸)، ۷-۲۶.
۱۷. خزایی، سیدعلی؛ اسدیان، احمد؛ سالاریان، جهانبخش (۱۳۹۶). *تعهد وکیل به صداقت در دادرسی عادلانه در پرتو روانشناسی وکالت*. *پژوهش‌های اخلاقی، ویژه‌نامه*، ۸(۱)، ۴۹-۶۵.

۱۸. شبان، مرضیه؛ رضانی‌بدر، فرهاد (۱۳۸۶). تجزیه و تحلیل سؤالات آزمون‌های پایان ترم بر کیفیت طراحی سؤال. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران/حیات*، ۱۳(۱)، ۵-۱۵.
۱۹. شکورنیا، عبدالحسین؛ خسروی بروجنی، آذر؛ مظفری، علیرضا؛ الهام‌پور، حسین (۱۳۸۸). بررسی سؤالات امتحانی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز با تأکید بر ساختار سؤالات چندگزینه‌ای در سال ۱۳۸۶، گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، ۶(۲)، ۲۹۳۸-۱۳۸.
۲۰. قدیمی، اکرم؛ کریمی‌زاده‌اردکانی، سمیه (۱۴۰۱). سنجش اعتماد عمومی به علم. *فصلنامه ترویج علم*، ۱۳(۲۳)، ۱۰-۳۷.
۲۱. کاظمی، اشرف؛ احسان‌پور، سهیلا (۱۳۸۹). تحلیل سؤالات امتحانات دروس تخصصی نظری دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی (ویژنامه توسعه آموزش)*، ۱(۵)، ۶۴۳-۶۵۰.
۲۲. کیا، حسن (۱۴۰۲). وکالت دادگستری؛ رسالت یا تجارت؟ نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۶۰۷ دیوان عالی کشور (۱۳۷۵/۰۶/۲۰)، *دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی* ۲(۴)، ۱۸۴-۲۰۶. doi.org/10.22034/analysis.2023.2006131.1022
۲۳. محسنی، حسن (۱۳۹۳). تحولات وکالت دادگستری و قانون وکلا؛ از تبعیت به استقلال، از استقلال به تبعیت. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۴(۴)، ۵۹۵-۶۱۲.
۲۴. محسنی، حسن؛ غمامی، مجید (۱۳۹۴). رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت، *مطالعات حقوق خصوصی*، ۲۵(۲)، ۳۰۱-۳۱۸.
۲۵. محسنی، حسن (۱۳۹۹). وکیل دادگستری و احترام شایسته به دادگستری، *فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی*، ۹(۳۲)، ۳۵-۴۹. doi: 10.22106/jcr.2018.94447.1196
۲۶. مرکزالمیری، احمد (۱۴۰۳). ضرورت و راهکارهای مشارکت بخش خصوصی در ارزیابی تأثیرات قانون در ایران. *مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۵۴(۲)، ۷۹۷-۸۱۹. doi: 10.22059/jpls.2022.326996.2825
۲۷. مهدوی‌شنقی، میثم (۱۴۰۰). جایگاه وکیل دادگستری در فرایند دادرسی کیفری، *فصلنامه وکیل مدافع*، ۱۱(۲۱)، ۱۰۰-۱۱۹.
۲۸. نریمانی، میثم؛ آطه‌ریان، سینا؛ صاحبکار خراسانی، سیدمحمد؛ محمدی ایوانکی، محسن (۱۴۰۲). تبیین تصمیم‌گیری در خصوص تغییر خطمشی صدور پروانه وکالت در فرایند تصویب «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار». *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۱۳(۴۸)، ۳۲-۷۱.

ج) اسناد و سایت‌های اینترنتی

۲۹. پایگاه خبری اعتبار (۱۴۰۳). رئیس‌کانون وکلای مرکز: نحوه ترازگیری در آزمون وکالت منطقی شود، <https://www.ekhtebare.ir/?p=99836>؛ ۱۴۰۳/۰۵/۱۶
۳۰. پایگاه خبری اعتبار (۱۴۰۲). وزیر دادگستری: قانون تسهیل باعث کاهش سطح علمی وکلای می‌شود: <https://www.ekhtebare.ir/?p=80647>

۳۱. احمدیان، مریم؛ سیاح، سیدامیر (۱۴۰۰). اظهارنظر کارشناسی درباره طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۷۷۵۵.
۳۲. پایگاه خبرگزاری میزان (۱۴۰۳). معاون حقوقی مرکز وکلا: قانون تسهیل برای صرف حضور داوطلبان در آزمون نمره در نظر گرفته است، ۱۴۰۳/۶/۱۷: <https://www.mizanonline.ir/00K6Yr>
۳۳. جوادی، شاهین (۱۳۹۲). ضرورت تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار (ناظر به متن پیشنهادی برای اصلاح ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی)، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۳۴۵۴.
۳۴. دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱). اظهارنظر کارشناسی درباره طرح استفساریه مواد (۳) و (۴) و (۵) قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۰/۱۲/۲۴، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دوره یازده، سال سوم، شماره مسلسل ۱۸۳۷۹: ۲۴۰.
۳۵. فرحناکیان، فرشید (۱۴۰۲). استقلال کانون با استدلال اقتصادی: <https://legalaffairs.ir/Home/post/26366>
۳۶. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۸). موانع تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در ایران: گزارش نظارتی عملکرد هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۶۴۶۰.
۳۷. معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). نکاتی درباره تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در بازار خدمات حقوقی، معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱۷۷۹۱.

۲. انگلیسی

A) Articles

1. Glesner Fines, Barbara; Madsen, Catherine A., (2007). Caring Too Little, Caring Too Much: Competence and the Family Law Attorney. *University of Missouri-Kansas City Law Review (Umk LAW REVIEW)*, 75, 965-998. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1018647>
2. Hartmus, Diane M. (1999). Inspection and Oversight in the Federal Courts: Creating an Office of Inspector General, *California Western Law Review*, 35(2), 243-269.
3. Zacharias, Fred s. (2003). The Purpose of Lawyer Discipline, *william & mary Law Rewiew*, 45(2), 677-745. <https://scholarship.law.wm.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1312&context=wmlr>